**ارتباط فرهنگ و آموزش و پرورش و تأثیر بحران کرونا بر آن**

**چکیده**

سیستم یکپارچه از الگوی رفتاری و قابل تعلیم بودن، مؤلفه های مشترک اصلی در مقوله های فرهنگ و آموزش و پرورش است. اشتراکی که پیام آور پیوند عمیق آن دو و تأثیرپذیری از یکدیگر است. اما در نگاه متفاوت برخی از متفکران حوزۀ عربی-اسلامی از هدایت الهی یعنی مهم ترین مقولۀ فرهنگی در هویت ادیان آسمانی که بر پایۀ آموزش و پرورش تحقق می یابد، این پیوند کاملاً گسسته، بنابراین حل مشکلات فرهنگی در جهان اسلام به خارج از حیطۀ آموزشی و پرورشی وابسته می شود. در زمانی که مشکلات آموزش و پرورش حضوری و تفهیم درست و کامل دروس و اهداف عمیق تربیتی برطرف نشده بود که مشکلات مذکور با ترکیب شدن با مشکلات جدید به علت شیوع پاندمی کرونا در آموزش و پرورش مجازی ظهور بیشتری یافت. شرایط جدید، جایگاه بی بدیل معلمان را که در بر گیرنده اساتید دانشگاه ها نیز هستند حتی به رخ سخت ترین منکران جایگاه معلمان در تمدن سازی و متحول سازی فرهنگ کشید. بنابراین راه شکوفا شدن استعدادهای مادی، ربانی و الهی نهفته در نهاد فرزندان این مرز و بوم ارتقای حداکثری منزلت و جایگاه اجتماعی معلمان، رفع مشکلات معیشتی و توانمند سازی آنها به مجهز شدن به، به روزترین دانش ها و مجهزسازی ایشان به مهارت ها، تجهیزات و امکانات مربوطه و شناخت مشکلات، مخاطرات و پیچیدگی های آموزش و پرورش حضوری و مجازی و تعامل و مواجۀ منطقی، علمی و فنی همه جانبه با آنها است.

**واژگان کلیدی:** فرهنگ، آموزش و پرورش حضوری و مجازی، معلمان، کرونا و دانش آموزان.

**1. طرح مسئله**

دنیا با همه گیرترین بحران تاریخ «کرونا» مواجه و همۀ ساحات زندگی به نحوی تحت تأثیر آن قرار گرفت که برخی از لزوم تغییر فرهنگ و سبک زندگی مردم سخن به میان آوردند. یکی از این ساحات، آموزش و پرورش است. این ساحت را می توان به دو بخش کلی (معلمان و مسئولان آموزش و پرورش) و (اولیاء، دانش آموزان و دانشجویان) تقسیم بندی کرد. در این ساحت هیچ یک از این دو بخش، آمادۀ مواجۀ اصولی، علمی و فنی با این بحران نبود و آموزش مجازی و تولید محتواهای الکترونیکی دروس، ضروری گردید و مشکلات جدیدی بر آموزش و پرورش در بخش های مذکور پیش آمد و همۀ این موارد فرهنگ جامعه را تحت تأثیر قرارداد. بنابراین در این زمینه، پاسخ گویی به سؤالات زیر، ضروری است:

1- ارتباط فرهنگ و آموزش و پرورش چیست؟

2- مشکلات، مخاطرات و پیچیدگی های آموزش و پرورش رسمی کشور (حضوری و مجازی) چیست؟

3- محصول (نتیجۀ) ارتباط فرهنگ و آموزش و پرورش چیست؟

**2. روش تحقیق:** روش تحقیق به کار رفته در این پژوهش، علاوه بر تحقیقات و بررسی های میدانی، روش تحلیل محتوا است و بر اساس مراحلی که در این روش باید به کار گرفته شود (روش های تحقیق در علوم رفتاری، سرمد، زهره و بازرگان، عباس، ص132) در آغاز، منابع مختلف مربوط به موضوع بحث، تهیه می گردد و در مرحله دوم، محتوای مرتبط با موضوع پژوهش، انتخاب و اهداف و سؤالات پژوهش، از آن استخراج و به بررسی آنها پرداخته خواهد شد و در پایان پردازش و تحلیل، نتیجه گیری صورت می گیرد.

**3. مقدمه:** در ارتباطی تنگاتنگ بین فرهنگ و آموزش و پرورش، بیماری های صعب العلاج به وجود آمده در پیکره فرهنگ غنی یک ملت، آیا با یک سیستم آموزش و پرورش جامع و کارآمد، قابل درمان است؟ اگر این امر، ممکن است در این صورت لازم است مشکلات، مخاطرات و پیچیدگی های آموزش و پرورش شناخته و با آنها برخورد منطقی، علمی و درمان بخش صورت گیرد و موانع پیش روی آموزش و پرورش در جهت ایجاد تمدن ربانی و فرهنگ الهی برداشته شوند.

**4. ارتباط فرهنگ و آموزش و پرورش**

از منظر الیوت هرگاه برای آموزش و پرورش، نظریه و خط مشیی ارائه می شود لازم است بدانیم فرهنگ چیست؟ و آیا می توان آن را تحت نظارت مستمر و نفوذ آگاهانه قرار داد؟ (الیوت، 1387، ص 27) بنابر نظر بسیاری از محققین کشورمان حتی محققین غربی، آموزش و پرورش، برخوردار از مؤلفه های اصلی ای از فرهنگ یعنی سیستم یکپارچه از الگوهای رفتاری و قابل تعلیم و آموزش بودن است. در واقع همانطور که آموزش دروس از لحاظ ژنتیکی، از پیش تعیین شده یا غریزی نیست، فرهنگ هم چنین است. (سماور، پورتر، استفانی، 1379، ص 78-77) (هریسون، هانتینگتون، 1388، ص 17) اما برخی از متفکران اسلامی عرب برآنند که آموزش و پرورش قادر به اصلاح مشکلات فرهنگ جوامع اسلامی نیست زیرا ساختار ذهنی مسلمانان طوری است که پذیرای بحث و گفت و گو نیست و این ریشه در اعماق ناخودآگاه آنها دارد و تغییر دادن این ساختار دشوار است و چه بسا نیاز به یکی دو قرن زمان باشد و اساساً این مشکل، یک مسئلۀ آموزشی و پروشی نیست. (جعیط، 1381، ص 18 و 27)

**4-1. نقد دیدگاه مذکور**

اگر تغییر این ساختار امری ممکن ولی زمان بر است آیا بدون برنامه ریزی مدون و بلندمدت در ساحت آموزشی و پرورشی (و به بیان قرآنی: تزکیه و تعلیم) به ویژه در مدارس و دانشگاه ها و رسانه ها راه دیگری برای تغییر این ساختار وجود دارد؟ در ضمن، این دیدگاه با منطق قرآنی ارسال رسولان و پیامبران که همانا تزکیۀ نفوس و تعلیم کتاب و حکمت است و خداوند از آن به عنوان منت از جانب خود یاد کرده است هم، سازگار نیست (بقره/ 129 و 151، آل عمران/ 164، جمعه/ 2) زیرا خداوند از همان ابتدای هدایت انسان ها، همین راه تزکیه و تعلیم بندگانش را بواسطۀ فرستادگان و برگزیدگانش جهت هدایت به سبک زندگی درست انسانی و فرهنگ الهی انتخاب کرده است و اگر این راه درست نبود هرگز خالق هستی آن را برنمی گزید.

درواقع هویت و پویایی جامعه به فرهنگ آن جامعه، بستگی دارد و جوشش، پویایی و کارآمدی فرهنگ نیز بدون وجود یک سیستم یکپارچۀ آموزش و پرورش جامع و کارآمد به عنوان ابزار پیش ران فرهنگ متعالی و مترقی امکان پذیر نیست. از این رو است که مترقی ترین ملل دنیا بیشترین بهاء را به آموزش و پرورش کشورشان می دهند. جامعۀ ما نیز از این قاعده مستثنی نیست. اما متأسفانه امروزه مقولۀ فرهنگ متعالی و مترقی مورد بی مهری قرار گرفته و نه تنها توجۀ مؤثری به غنی سازی آن نمی شود که مورد هجمه های بیشمار عناصر و مؤلفه های نامطلوب و مخرب داخلی و خارجی قرار گرفته است و نشانۀ آن نبود یک سیستم جامع آموزش و پرورش کارآمد، مدرن، مجهز، خلّاق، استعدادیاب و پرورش دهندۀ استعدادهای انسانی و الهی نهفته در نهاد همۀ دانش آموزان است که نتیجۀ آن، خروجی ها و فارغ التحصیلان با مهارت ها و توانمندیهای ضعیف در حوزۀ سبک زندگی درست انسانی و فرهنگ الهی است و قطعاً چنین خروجی هایی هرچند ناخواسته در مسیر به انحطاط رفتن هر چه سریعتر فرهنگ ناب ایرانی-اسلامی قرار می گیرند زیرا فرهنگ برای ادامۀ حیات خود، نیازمند عناصری است که هر دم به آن پویایی، کارآمدی، تحرک را تزریق کند و آن عناصر همان دانش آموزانی هستند که 12 سال از بهترین، توانمندترین و باارزش ترین لحظات عمر خود را در آموزش و پرورش رسمی کشور صرف می کنند و اگر آنان در پایان این 12 سال، بسیاری از استعدادهای انسانی-الهی خود را نشناخته و به منصۀ ظهور نرسانده باشند باید به طور جد، نگران آتیۀ فرهنگ غنی ایرانی-اسلامی خود باشیم و انحطاط آن را امری اجتناب ناپذیر تلقی کنیم.

**5. مشکلات، مخاطرات و پیچیدگی های آموزش و پرورش رسمی کشور**

**5-1. مشکلات، مخاطرات و پیچیدگی های آموزش و پرورش حضوری**

راقم این سطور، آموزگار مقطع ابتدایی آموزش و پرورش در شهرستان شهریار با بیش از 10 سال سابقه است. همه می دانیم آموزش و پرورش فرآیندی تخصصی، چند لایه با پیچیدگی های خاص مربوط به خود است. ممکن است تصور برخی از معلمان محترم در بدو استخدام بر آن باشد که دانش آموزان کودک، نوجوان و جوان را می شناسند اما بعد از مدتی که وارد عرصۀ آموزش و پرورش آنها می شوند متوجه می شوند که با جهان دیگری رو به رو هستند و تصورشان اشتباه بوده است. حقیقت آن است تا آدمی شب و روز در دنیای آنها حضور فعال نداشته باشد تصورش از آنها نادرست است. معلمی که فرآیند آموزش و پرورش را تازه آغاز کرده و او را C می نامیم اگر با تصور شناخت آنها فرآیند آموزش و پرورششان را آغاز کند مدتی به بی راه خواهد رفت ولی معلمی که فرآیند مذکور را تازه آغاز کرده و او را A می نامیم اگر پیش فرض قطعی اش، آن باشد که به هیچ وجه شناخت و تصور درستی از آنها ندارد (چون بر ذهن آنها مسلط نیست) بنابراین باید محتاطانه با آنها تعامل و برخورد داشته باشد، چنین معلمی در زمینۀ آموزش و پرورش آنها موفق تر عمل خواهد کرد.

**5-1-1. بررسی علت دیدگاه مذکور**

در واقع معلم C با تصور اشتباه به سراغ دانش آموزان رفته است و نمی داند که حقیقت را در مورد آنها نمی داند. بنابراین بین او و مخاطبانش تعامل مثبت و سازنده شکل نخواهد گرفت، زیرا پایۀ تعامل او با دانش آموزانش بر عدم شناخت درست راهنما از مخاطبانش شکل گرفته است بنابراین هرگز کیفیت لازم در فرآیند آموزش و پرورش آنها حاصل نخواهد شد. چنین راهنمایی در فرآیند آموزش و پرورش دانش آموزان خود، ناخواسته سخن ها، نگاه ها، رفتارها و تعاملاتی خواهد داشت که هرچند به خودی خود نه گناه اند و نه مضر و تباه کننده ولی در تعامل با مخاطبان خاص با ویژگی های حساسشان، مناسب نبوده، باعث اتلاف وقت و انرژی و امکانات و فرسایش توان یک معلم خواهد شد. وقت و انرژی ای که می توانست در طول سال تحصیلی در مسیر سازنده تر و مؤثرتری در محیط کلاس و در مجموعۀ مدرسه به کار گرفته شود. در واقع چنین معلمی، رفتارها، نگاه ها و سکنات گوناگون آنها را به اشتباه تحلیل خواهد کرد و در نتیجه رفتار مناسب در مقابل ایشان در پیش نخواهد گرفت. زیرا ناخواسته تصورات و مؤلفه هایی در ذهن او ریشه دوانده‌اند که مانع بروز تعامل کامل، درست و سازنده می شوند. اما معلم A می داند که حقایق گوناگونی را در مورد مخاطبان حساسش نمی داند یعنی به طور همه جانبه، علایق، عواطف، احساسات و ریشه های رفتاری آنها را نمی شناسد و به عمق و کنه گزینش انواع رفتار، کنش و واکنش های آنها احاطه ندارد. بنابراین در تعامل با ایشان، تمام سخن ها، نگاه ها و رفتارهای خود را محتاطانه، با دقت، گزینش و وسواس خاصی انجام خواهد داد تا مبادا در این مسیر دچار خطا شده و زمینۀ سوء استفاده های مختلفی را برای دانش آموزان فراهم کند و مبادا وقت و انرژی با ارزش خود را در جهتی که ناشی از عدم احاطه و آگاهی به وضع روان و رفتار دانش آموزان و کشیده شدن غیراختیاری او به سمتی که آنها از جهت شیطنت و بازیگوشی دوران خاص خود، طالب آن هستند قرار دهد. این توضیحات مختصر گویای آن است که فرآیند آموزش و پرورش دانش آموزان در مواقعی که مدارس در وضع عادی به فعالیت خود ادامه می دهند و معلمان و دانش آموزان در مدارس حضور فیزیکی دارند و به دیدگان یکدیگر را می بینند تا چه اندازه دارای ابعاد و جوانب ظریف،حساس و خطیر است.

**5-2. مشکلات، مخاطرات و پیچیدگی های آموزش و پرورش مجازی**

با وجود این همه حساسیت های آموزش و پرورش حضوری که بیان شد، حال که ویروس پیچیدۀ کرونا، مدارس و دانشگاه ها را به صورت سراسری به تعطیلی بلندمدت افزون بر یکسال کشانده، بر سر آموزش و پرورش فرزندان این مرز و بوم و اوضاع و احوال دانشجویان و مخصوصاً دانش آموزان چه خواهد آمد. هنوز به طور کامل، مشکلات تدریس و تفهیم و پرورش و تعامل درست و کامل با دانش آموزان در فضای حضوری مدارس حل نشده بود که تدریس و تفهیم دروس و تعامل کامل و درست با آنها در فضای مجازی به آن افزوده شد و مشکلات دانشجویان افزون گشت. نه امکانات سخت افزاری لازم و استاندارد و به روز در دسترس تمامی خانوادۀ دانش آموزان و دانشجویان و معلمان فراهم بوده و هست و نه برنامه ها و نرم افزارهای لازم برای آموزش و تعامل با ایشان تدارک دیده شده بود. بنده خوب به یاد دارم 3ماه از سال تحصیلی قبل (99-98) و 4 ماه از سال جدید تحصیلی، ایستاده تکالیف و امتحانات دانش آموزان را یک به یک بررسی کردم و تدریس ها را بارگذاری کردم زیرا مدل گوشی ام پایین بود و فورجی را پشتیبانی نمی کرد و اگر می نشستم اینترنت گوشی ضعیف می شد و کاری انجام نمی داد، بگذریم که اگر حجم فیلم از 5 دقیقه بیشتر می شد چه مکافاتی در ارسالش پیش می آمد و مقداری بیشتر که اصلا ارسال نمی شد و مشکلات بسیار دیگر که گوشی های مدل پایین با برنامه شاد دارند تا اینکه گوشی جدید تهیه کردم. کسی آموزش درست و فنی ندیده است، نه معلمان نه دانش آموزان و نه اولیای آنها. تا مدتها آموزش و پرورش فاقد نرم افزار مخصوص آموزش بود و بعد از آنکه نرم افزار شاد پس از چند ماه راه اندازی شد هنوز که هنوز است با مشکلات روبه رو است و گاه تا چند روز برای به روز رسانی قطع می شود. هنوز که هنوز است برخی از معلمان هیچ محتوای درسی از خود یا تولید نمی کنند و یا به صورت مناسب این کار را نمی کنند یعنی تدریس از خویشتن به صورت صوت و فیلم ندارند و گاه به چند متن و کاربرگ برای آموزش هر درس اکتفا می کنند. فرزند راقم این سطور، پایۀ هشتم است. وقتی فعالیت و عملکرد معلمان دروس مختلفش را بررسی کردم متوجه شدم معلمان را در این زمینه می توان به چند دسته تقسیم کرد: برخی مانند معلم ریاضی بسیار خوب عمل می کنند و با صوت و فیلم تدریس از خویشتن و ارتباط خوب برقرار کردن با دانش آموزان و دادن نمونه سؤال و... تدریس مؤفقی دارند. برخی مانند معلم هدیه های آسمانی فقط صوت خود را از درس ها می گذارند و هیچ آموزش تصویری ندارند. برخی مانند معلم مطلعات اجتماعی تدریس خود را منحصر به ارسال چند متن و کاربرگ کرده اند و برخی مانند معلم کار و فناوری نه صوت و فیلم تدریس از خود و نه از غیر خود قرار نمی دهد و نه حتی متن و کاربرگی ارسال می کند و درواقع هیچگونه تدریسی وجود ندارد و تنها به اینکه هر دو سه ماه، دانش آموز تصویر یک کاردستی و... را ارسال کند اکتفا کرده است و برخی از دروس مانند فرهنگ و هنر را به معلم غیرتخصصی آن یعنی معلم ریاضی سپرده اند و معلم ریاضی تدریس از خود از درس فرهنگ و هنر ندارد و تدریس دیگران را می گذارد و معلم علوم هم با اینکه توانایی تولید فیلم از خود دارد چون یکی دو بار این کار را کرده است فقط متن های توضیحی کوتاه قرار می دهد. با این رویه دانش آموزان تا چه اندازه می توانند با دروس و معلمانشان ارتباط مؤثر برقرار کنند؟ آیا با این رویه حق و حقوق دانش آموزان تضییع نمی گردد؟

**5-2-1. پیگیری مشکلات تدریس در دوران کرونا از معاون آموزشی مدرسه**

آنگاه که مواردی را به معاون آموزشی مدرسه در میان گذاشتم درواقع ایشان به توجیه و دفاع از عملکرد معلمانشان پرداختند. سخن معاون مدرسه آن بود که برخی از معلمانشان در شاد تعریف نمی شوند و نمی توانند گروه تشکیل دهند، دیگری گوشی ندارد و گوشی گران است و با آقای فلانی صحبت کرده ایم برویم برایش به صورت قسطی گوشی تهیه کنیم. برخی در خانه دو سه بچه دارند و نمی توانند سروصدای آنها را کنترل کنند و خانه را آرام نگه دارند تا تدریس خود را ضبط کنند، برخی سنشان بالا است و کار کردن با نرم افزارها برایشان نامأنوس است و... .

 یکی از معلمان فرزندم می خواست بداند به معاون آموزشی چه گفته ام که ایشان گروهی را که آنها در فضای مجازی دارند را به هم ریخته است. در پاسخ بیان داشتم که به معاون آموزشی گفتم که دو ماه از سال گذشته و کتاب عربی دانش آموزان سفید است (تدریس وجود ندارد) یا قرآن تدریس ندارد یا فرهنگ و هنر گروه ندارد یا فارسی و مطالعات اجتماعی و علوم صوت و فیلم تدریس از خود ندارند. او گفت: «واقعاً این چیزها را گفته اید؟ چیز دیگری نگفته اید؟» گفتم خیر. گفت: «چیز دیگری به ما گفته است و کلی گروه را به هم ریخته است. واقعاً چیز دیگری نگفته اید؟ اگر چنین باشد که شما می گویید اینهایی که معاون به شما گفته است که دلیل نمی شود. امروزه همه گوشی دارند. حتی یک بچۀ 3 ساله هم گوشی دستش است و با آن می تواند کار کند.»

آنگاه که از معلم مذکور پرسیدم که چرا خودتان تدریس نمی گذارید و آموزش نمی دهید، بیان داشتند: «دانش آموزان دنبال درس نیستند و نه تنها بی انگیزه اند و علاقه و اهتمامی به درس ندارند و از ما مطالبه نمی کنند بلکه دیدگاه منفی از ما هم دارند و نه تنها حرمت و احترامی برای ما قائل نیستند که چه بسا ما را هم ببینند لیچاری در درون خود علیه ما بار کنند و روی برگردانند. آنها دنبال درس نیستند، درس نمی خوانند. من خودم آمار 80-70 نفر را دارم که پارسال (سال تحصیلی 99-98) اصلاً نیامدند امتحان بدهند (ظاهراً منظورشان دانش آموزان پایه 9 است که امتحاناتشان حضوری بود) و قبول شدند رفتند پایه بالاتر.» آنگاه با اصرار خیلی زیاد من مواجه شدند که همه بی انگیزه و بدون علاقه که نیستند. عده ای که خواهان درس و علاقه مندند چه کنند؟ شما برای آنها تدریس کنید، شما تدریستان را کنید هرکسی خواست استفاده کند. ناچار شدند گفتند: «حالا یک قدری می گویم.» بعد از چند ماه که از آن موقع می گذرد تدریس ناقص و بلکه اشتباه از ایشان دیده می شود.

**5-2-2. پیگیری مشکلات تدریس در دوران کرونا از مدیر مدرسه**

دو سه ماه بعد از در میان گذاشتن برخی مسائل با معاون آموزشی، نه تنها مشکلات مگر در درس عربی که این درس برای معلمشان در شاد تعریف شد برطرف نشد که موارد جدیدی مثل تدریس های اشتباه در برخی دروس هم به آنها افزوده شد. این بار مشکلات را با مدیر مدرسه در میان گذاشتم. کار و فناوری یک صفحه تدریس ندارد. گفتند: «راستش را بخواهید معلم کار و فناوری تخصصی در این زمینه ندارند.» فرهنگ و هنر را به احتمال زیاد معلم نداشته اید به معلم ریاضی داده اید که ریاضی را خیلی خوب تدریس می کنند ولی تدریس از خودشان از فرهنگ و هنر ندارند. پذیرفتند که بله این طور است. فارسی و مطالعات اجتماعی و علوم از خودشان تدریس ندارند بلکه یا تدریس های دیگران را می گذارند یا چند متن و کاربرگ قرار می دهند درحالیکه وقتی خودشان تدریس نمی کنند دانش آموزان هم آن اهتمام لازم را نخواهند داشت و با تدریس های دیگران ارتباط برقرار نمی کنند زیرا تدریس معلم خودشان را می خواهند زیرا معلمشان با این منطقه آشناست، فرهنگ دانش آموزان اینجا را بهتر می شناسد و بهتر در جریان عادات، خلقیات و مشکلات آنها می‌باشد پس می تواند ارتباط مؤثری با دانش آموزانش برقرار کند تا یک تدریس از سوی معلمی در فرسنگ ها دورتر که در گروه قرار داده می شود و در ضمن کاربرگ ها مکمل تدریس می توانند باشند و جای تدریس (صوت و فیلم خود معلم مربوطه) را نمی توانند پر کنند. گفتند: «درست است.» گفتم لازم است شما فشار بیشتری به معلمان وارد کنید و از آنها کار بخواهید و توضیح دهید چطور فیلم تدریس با گوشی یا ضبط کننده های صفحه تولید کنند مثلاً گوشی را بالای صفحه ای که می خواهند تدریس کنند ثابت کنند و شروع به تدریس کنند. کار سختی نیست یا تدریس با ضبط کننده های صفحه کار سختی نیست. گفتند: «بله درست است. بعضی ها هم خودشان کوتاهی می کنند و من فشار بیشتری وارد می کنم. إن شاءالله بهتر می شود.»

بیان داشتم معلم قرآن شما تدریس کاملی که ندارد به جای خود، بلکه تدریس اشتباه هم دارند. گویا تعجب کرده باشند، گفتند: «می شود موارد اشتباه را برای من ارسال کنید؟» گفتم باشه و موارد متعدد را با ذکر صفحه و توضیح چگونگی اشتباه به پی وی ایشان ارسال کردم. یکی دو ماه از آن موقع می گذرد ایشان به سکوت گذراندند و کلمه ای در تأیید یا رد مستنداتی که با دلیل و توضیحات ارائه دادم سخن نگفتند. باز هم مشکلات حل نشده است و روند همان روند گذشته است.

**5-2-3. پیگیری مشکلات تدریس در دوران کرونا از مسئول مقطع متوسطۀ اول اداره آموزش و پرورش**

چند روزی به پایان سال 1399 مانده بود. این بار شکایت به ادارۀ آموزش و پرورش شهرستان ساوجبلاغ بردم. مسئول مقطع متوسطۀ اول بلافاصله و بدون درنگ تا اولین جمله را از من شنید: آیا معلم نباید درس بدهد. گفت «بله» گفتم دریغ از یک صفحه تدریس، مرا به مسئول ارزیابی عملکرد ارجاع داد.

**5-2-4. پیگیری مشکلات تدریس در دوران کرونا از مسئول ارزیابی عملکرد اداره مذکور**

همۀ مشکلات و کاستی ها را توضیح دادم. گفتند: «آیا با مدیر مدرسه مطرح کرده اید؟» جریان را گفتم. و چند بار، تقاضا کردم گروه معلمی که تدریس ندارد را در گوشی ام ببیند ولی او اصلاً نگاه نکرد. خیلی نرم و در لفافه و نه تند و زننده وضعیت آموزش و پرورش کشور و معلمان را توجیه می کرد و از معضلات و مشکلات معلمان و مدارس و آموزش و پرورش می گفت: «به اندازۀ کافی نیروی متخصص برای همۀ دروس وجود ندارد و یا گاهی برای پر کردن ساعات تدریس موظفی یک معلم که مثلاً 2 ساعت کم آورده اند مجبور می شوند درسی به او بدهند که در تخصصش نیست و به خاطر 2 ساعت نمی توانند یک معلم از جایی دیگر به آن مدرسه بیاورند، مثلاً درس هایی مثل فرهنگ و هنر، کار و فناوری، قرآن البته قرآن نه آن باید تخصص داشته باشد. البته نمی خواهم بگویم درس های دیگر نیاز به تخصص ندارند. بالایی ها این ها را می دانند و در جریان هستند. کار با شاد با این تعداد دانش‌آموز و با صفحۀ کوچک گوشی و دیدن این همه تکالیف و امتحانات سخت است اضافه کار را نداده اند یا دیر می دهند، 10 درصد معلمان هم به ناحق وارد سیستم آموزش و پرورش شده اند و اهل کار نیستند و شغل دیگری مثل بنگاهی، تاکسی و... دارند بعد مدرسه آنجا می روند و خیلی اینجا کار نمی کنند البته من کار شما را پیگیری می کنم و نیاز نیست اسم و فامیل خودتان را بگویید، یک موقع آنجا (مدرسه) برایتان مشکلی پیش نیاید و....» خلاصه قول پیگیری داد که بررسی کند مثلاً ابلاغ معلم قرآن را ببیند آیا تخصص مربوطه را دارد یا نه یا معلم کار و فناوری چطور تدریس کرده است و... و اینکه همین فردا با زنگ زدن یا مراجعه حضوری نتیجه را دریافت کنید. در بنده حالتی به وجود آمد که چه سریع رسیدگی می کنند و نتیجه را اعلام می کنند. وقتی دو سه روز بعد مراجعه کردم مثل چند بار گذشته در دفترشان بسته بود، در اتاق دیگر بودند، آمدند. به سمت اتاقشان می رفتیم در همان راهرو گفتند: « گروه های آموزشی اداره بررسی کردند و تدریس معلم کار و فناوری را مورد قبول ارزیابی کردند.» گفتم یک صفحه تدریس ندارد چطور مورد قبول ارزیابی کرده اند، این گوشی من، بگیرید خودتان نگاه کنید اگر یک صفحه تدریس داشت. ولی او مثل قبل اصلاً به گوشی و گروه معلم مربوطه نگاه نکرد. گفتم مدیر گفته معلم کار و فناوری اصلاً تخصصی در این زمینه ندارد گفت: «ما عملکرد معلم را تأیید می کنیم نه شما گروه های ما بررسی کرده اند، هرچند مطلوب نیست ولی مورد قبول است، معلمان دروس دیگر هم درس هایشان را داده اند.» گفتم بله درس داده اند اما کیفیت تدریس مجازیشان را ببینید چطور است ؟؟ گفت: «از نظر ما قبول است و مدیر و معاون هم از معلمانشان راضی‌اند و در صلاحیت شما نیست که نظر دهید.» گفتم برای اظهارنظر چنین موردی، دیگر صلاحیت و تخصصی نمی خواهد وقتی که یک صفحه تدریس وجود ندارد، اصلاً تدریس وجود ندارد. گفت: «این را دیگر ما تشخیص می دهیم و از نظر ما مورد قبول و تأیید است و در ضمن شما یک نفر هستی که اعتراض داری و با یک معترض که معلم عوض نمی کنند. شما مدرسه فرزندت را عوض کن.» گفتم حرف من این است که معلم به گفتۀ مدیر، تخصصی ندارد. دیگری اشتباه تدریس می کند. تعدادی هم تدریس مطلوب مجازی ندارند آن وقت این مطالب حق چه ربطی دارد به تعداد معترضین. گفت: « بالاخره از نظر ما مورد تأیید است برو انجمن مدرسه را جمع کن، فعال کن، پیگیری کن، موارد را برای من مکتوب بیاور.» گفتم پس شما چه کاره اید؟ شما مسئول بررسی این موارد هستید آن وقت من بروم انجمن را فعال کنم و تحقیق و بررسی کنم. در ثانی اولیای دیگر هم معترض اند به این دلیل که خود معلم کاروفن آوری در گروه کلاسی خود، خطاب به دانش آموزانش پیام داده است که «چرا مرا مورد لطف قرار می دهید و نزد مدیر از دست من شکایت و گله می کنید.» گفتم این گوشی من و گروه ایشان در شاد، ببینید باز اصلا نگاه نکرد. گفتم قرآن چه؟ مستندات ارائه داده ام که تدریس اشتباه دارد. گفت: «ابلاغ معلم قرآن را نگاه نکرده ام.» کار به جر و بحث کشید و شدیداً به عملکرد او اعتراض کردم. حتی چیزی نمانده بود از عصبانیتش مرا براند اما خودداری کرد و گفت برو. برداشت من این بود که او درست نمی گوید که گروه های آموزشی و تخصصی را مأمور بررسی این امر کرده است چون وقتی معلم مربوطه یک صفحه از کتاب را تدریس ندارد چطور ممکن است گروه های آموزشی به تدریس چنین معلمی که به تأیید مدیر مدرسه تخصصی ندارد صحه گذارند و تدریشان (در واقع عدم تدریشان) را مورد قبول ارزیابی کنند مگر آنکه وجدان، منطق و شرافت انسانی خود را زیر پا گذاشته باشند. مسئول ارزیابی عملکرد اداره حتی به سیستم خود مراجعه نکرده بود تا ابلاغ معلم قرآن را ببیند یا یک طبقه پایین نرفته بود تا در مقطع متوسطه اول، ابلاغ او را از آنها جویا شود و حتی یک زنگ هم به آنها نزده بود تا ابلاغ را بررسی کند و یا کرده بود و چون تخصص را نداشته از من پنهان می کرد. بنابراین همچون آفتاب وسط آسمان کاملاً روشن بود که حقیقت را مخفی می کند اما وجدان و منطق را زیر پا می گذاشت و از عملکرد افراد فاقد تخصص و بدون تدریس و در مورد معلمی با تدریس های متعدد اشتباه و با عدم بررسی ابلاغش و یا پنهان کردن آن،عملاً از آنها دفاع می کرد. در واقع قصد واقعی او در همان جلسۀ اول از بیان همان مطالبی که در لفافه و خیلی نرم و اتو کشیده و یکی به میخ و یکی به نعل زدن می زد، رد کردن من بود و او از اول می‌دانست که مرا رد خواهد کرد و مقدمات را فراهم کرده بود اما وقتی در جلسۀ بعدی با سماجت و پیگیری شدید من مواجه شد بیان و لحن خود را آشکار ساخت.

**5-2-5. پیگیری مشکلات تدریس در دوران کرونا از رئیس ادارۀ مذکور**

وقتی از عملکرد مسئول ارزیابی عملکرد مأیوس شدم. این بار شکایت را به رئیس آن اداره بردم. شاید روز آخر کاری ادارات در سال 1399 بود و یکی دو روز بیشتر به عید نوروز باقی نمانده بود. موضوع را به مسئول دفتر ایشان گفتم. مسئول دفتر هم به همان مسئول عملکرد ارزیابی زنگ زد و موضوع را گفت. بعد به من گفت: «بنشینید تا داخل بفرستم.» نیم ساعت نشستم همه آمدند و رفتند، بعد به من گفتند: «رئیس کار دارد و بعد از این هم جلسه آنلاین دارند، وقت ندارند، شما کتباً درخواست خود را بنویس ما بررسی می کنیم. شماره تلفن خود را هم بنویس لازم شد بگوییم تشریف بیاورید مدرسه.» من هم نوشتم و تقدیم داشتم و حال که نوزدهم فروردین 1400 است فعلا هیچ اطلاع و تماسی با بنده برقرار نکرده اند.

**5-2-6. تفاوت مدیران مدارس در مطالبه گری تولید محتوای الکترونیک باکیفیت از معلمان در دوران کرونا**

آنگاه که غافلگیرانه، مدارس در اسفند 98 جهت جلوگیری از شیوع ویروس کرونا به تعطیلی سراسری کشانده شد نه تنها راقم این سطور بلکه بسیاری از معلمان، با چگونگی روند تولید محتوای الکترونیک باکیفیت و تدریس مجازی مؤثر، آشنایی نداشتند. تا اسفند 98 تقریباً بیشتر حجم دروس را تدریس کرده بودم و تدریس مابقی هم با تشویق زیاد دانش آموزان به دیدن شبکۀ آموزش تلویزیون و هماهنگی با آن و گذاشتن پاره ای تصاویر و توضیحات متنی و پیگیری انجام تکالیف و بررسی و بازخورد آنها به پایان رسید. اما آن موقع بنده و چه بسا بسیاری از همکاران فرهنگی، صوت و فیلم تدریس توسط خود نداشتیم و از سویی مسئولان مدرسه هم آمادگی چگونگی مواجه شدن با شرایط پیش آمده را به نحو مطلوب نداشتند و نتوانستند آنچنان که باید، معلمانشان را با روند و چگونگی تولید محتوای الکترونیک آشنا سازند و آنها را در مسیر مطلوب قرار دهند و پیگیر جدی این امر نبودند. اما باید اذعان کنم در سال تحصیلی جدید (1399-1400) مدیر محترم مدرسۀ اینجانب به طور جد به دنبال ساماندهی این امر بود و روز اول مدرسه که امسال به خاطر شرایط خاص کرونا زودتر آغاز شده بود در همان نیمه شهریور جلسه ای برای این موضوع و نظرخواهی و مشورت کردن با معلمان محترم ترتیب داد. اما مشخص بود هنوز پختگی لازم در 2 هفته اول و اینکه نقشه راه چیست؟ وجود نداشت. آن موقع آمدن دانش آموزان به مدرسه اختیاری شده بود گرچه اوایل سال تحصیلی بوی باز شدن مدرسه برای حضور تمامی دانش آموزان در فضای کشور پیچیده بود و نوعی بلاتکلیفی و ابهام در کشور به وجود آمده بود تا اینکه بالأخره تأکید بر اختیاری بودن حضور دانش آموزان در مدارس شد. شاید از هر کلاس یک چهارم دانش آموزان (یا کمی بیشتر یا کمتر) به مدرسه می آمد. به خاطر محدودیت های کرونایی و فاصله گذاری اجتماعی، همین دانش آموزان اندک نیز گروه بندی شدند تا هر گروه به مدت دو ساعت در مدرسه حضور داشته باشد. تجربه نشان داد این شیوۀ حضور تعدادی اندک و غیبت تعدادی دیگر، چالش برانگیز است. معلم هر روز یا 4 روز به غیر از دوشنبه که مجازی بود، مدرسه می آمد (مشکلات رفت و آمد و مخصوصاً معلمانی که از راه دور می آیند و خستگی آن و... را در نظر بگیرید) بعد به گروه اولی درس می داد. دوباره همان درس را برای گروه بعدی تکرار می کرد و قرار بود برای عدۀ بیشتری هم که اصلاً مدرسه نمی آیند تدریس مجازی کند و محتواهای الکترونیک تولید کند و به آنها هم تکلیف بدهد بعد تکالیف آنها را هم ببیند وبه آنها هم بازخورد دهد. این روش، حجم کار معلمان را چند برابر می کرد و بسیار زمان بر و توان فرسا بود. یادم است که یکی از معلمان به این شیوه شدیداً معترض بود و می گفت: «مگر می شود این طوری کار کرد؟ کلاً تعطیل کنند ما برویم خانه و به صورت مجازی تدریس کنیم. مگر می شود یک بار بیایم مدرسه و کلی کرایه ماشین بدهم و تدریس کنم و دوباره برگشتم خانه به دانش آموزانی که نیامده اند درس بدهم و تکلیف بدهم و بازخورد تکلیف را به آنها ارائه کنم.»

اساساً مسئله دیگر روند و چگونگی تولید محتوای الکترونیکی مطلوب و شیوۀ تدریس مجازی مؤثر بوده و هست. اگر بنا، بر این بود که همان تدریس حضوری به گروه ها، ضبط شود، سؤال اینجاست معلم که در حال تدریس بود چه کسی می خواست فیلمبرداری کند؟ و تجهیزات فیلمبرداری و فیلمبردار هم که وجود نداشت. نهایتاً گوشی معلم بود و گوشی را چه کسی باید نگه می داشت و در صورت لزوم، جابه جا و تنظیم می کرد. مشکل اساسی تر و عمیق‌تر آنکه فضای کلاس ها طوری است که صدای معلم در آن می پیچد و کیفیت فیلم مخصوصاً صدا بسیار تنزل می کند و خروجی مطلوبی حاصل نمی شود. همۀ این مشکلات روی هم انباشته می شد و دقیقاً کسی نمی‌دانست چه باید کرد؟ آیا تدریس ترکیبی از حضوری و مجازی باشد یا فقط مجازی باشد و اینکه اساساً تدریس مجازی و تولید محتوای الکترونیکی چگونه و با چه ترتیبی انجام می گیرد. همه سر درگم بودند. در این بین، مدیر محترم مدرسه هم جلساتی برگزار می کرد تا یک روند و شیوۀ واحد و مشخص حاصل شود. اما دقیقاً کسی نمی دانست چه تصمیمی برای فقط مجازی کردن تدریس یا ترکیبی از آندو بگیرد و راه کار عملی و مناسب تولید محتوای الکترونیکی چیست؟ بارها مدیر در لابه لای جلسات می گفت: «حجم هر فیلمی که می خواهید ارسال کنید در حد یکی دو دقیقه باشد که ارسال شود اگر حجم بالا باشد در ارسال دچار مشکل می شوید.» مخصوصاً برنامۀ شاد آن موقع مشکلات اساسی داشت چون چه بسا در ذهن ها شکل گرفته بود نمی شود فیلم ارسال کرد چون برای خود من پیش آمده بود که مثلاً خیلی قبل از ماجرای کرونا می خواستم یک فیلم بگیرم و ارسال کنم چقدر ارسال آن مشکل و زمان بر بود. مخصوصاً توسط گوشی هایی که اندروید و امکاناتشان پایین است و فورجی نمی شوند و در نتیجه از سرعت اینترنت بالایی برخوردار نبودند و نهایتا سرعت اینترنتشان اچ پلاس بود. مدیر می گفت: « می شود برای تدریس فیلم گرفت و ارسال کرد خانم بنده آموزگار سوم ابتدایی است و در خانه فیلم می گیرد و ارسال می کند منتهی هر فیلم در حد دو سه دقیقه است.» همکار دیگر می گفت با 2 دقیقه 2 دقیقه که نمی شود تدریس انجام داد. منظور از بیان این موارد آن است که چقدر موضوع برایمان گنگ بود و کسی آموزشی در این زمینه ندیده بود و آمادگی مواجه با این شرایط را نداشت. خلاصه همه در تکاپو بودند ولی نقشۀ راه مشخص و معلوم نبود. شاید مدیر محترم فکر می کرد ما از تنبلی تولید محتوای الکترونیک نمی کنیم درحالی که معلمان احساس می کردند تکلیفشان مشخص نیست و به این شیوۀ ترکیبی نمی شود کار کرد و چگونگی تولید محتوای الکترونیکی هم برای من و چه بسا همکارانی دیگر گنگ بود. یادم است یکبار در دفتر معلمان که مدیر هم حضور داشت یک مقدار هم از این وضعیت بلاتکلیفی و اتمسفر موجود قدری عصبانی بودم با حالت تندی گفتم بیایید بنشینیم ببینیم باید بالأخره چه کار کنیم، این طوری که نمی شود، هر کسی طرفی رفته، یکی (معلم) در حیاط قدم می زند، دیگری در کلاس نشسته است، یکی در دفتر است، وضعیتمان را معلوم کنیم تا کسی از کسی طلبکار نباشد که بعداً از این جملۀ آخرم، ناراحت شدم که چرا این حرف بر زبانم آمد و البته عذرخواهی کردم. یک بار دیگر در همان جلسه ایدۀ ضبط تدریس ها در کلاس مطرح شد و اتفاق داشتیم که این ایده خوب نیست زیرا کیفیت مطلوب را ندارد. تا اینکه همان معلمی که به شیوۀ تدریس هم حضوری و هم مجازی به صورت تلفیقی شدیداً اعتراض داشت گفت: «من در خانه یک 3 پایۀ فیلمبرداری دارم. گوشی را روی آن تنظیم می کنم و کتاب را پایین (زیرش ) می گذارم و تدریس می کنم و ضبط می شود، شما هم می توانید اگر 3 پایۀ مخصوص ندارید از یک میز کوچک یا جعبه و از این قبیل چیزها استفاده کنید، گوشی را روی آن قرار دهید به طوری که دوربینش به طرف پایین باشد و کتاب را زیرش بگذارید و توضیح دهید و ضبط کنید یا خودتان با کارتن یک پایه درست کنید و گوشی را روی آن قرار دهید.» ظاهراً یکی هم گفت : «بله این طوری هم می شود.» مدیر هم تأیید کرد. من هم که هنوز مقداری عصبانیت در وجودم بود گفتم پس من از این به بعد گوشی را روی چیزی ثابت می کنم و صفحه کتاب را زیرش می گذارم و تدریس می کنم و هر جوری به لحاظ صدا و کیفیت از آب در آمد به من ربطی ندارد، کیفیت صدا که در فضا پخش می شود که در اختیار من نیست و همان طور ارسال خواهم کرد. انجام این روش در آن جلسه تصویب شد. فردا که در خانه این روش را انجام دادم موفقیت آمیز بود. کیفیت صدا و تصویر بسیار خوب بود و تا به امروز هم که اواخر سال تحصیلی هستیم همین روش را جهت تولید محتوای الکترونیک دروس اجرا می کنم و تاکنون کسی به کیفیت تولیدات محتوا با این روش، اعتراض نداشته است. راه کار چقدر ساده بود اما خود را از ما پنهان داشته بود. بعد از دو- سه هفته کلنجار رفتن به آن دست یافتیم. چند روز بعد همان همکار برنامۀ ضبط کنندۀ صفحه را معرفی کرد که برای تولید محتوای الکترونیکی کاربرد دارد. اول که آن را دیدم چون بیان داشت: «وقتی برنامه را فعال کنید هر صدایی در اطراف گوشی باشد یا هرآنچه روی صفحۀ گوشی ظاهر شود یا بیاورید آن را هم ضبط خواهد کرد.» تصورم آن بود که به درد تولید محتوا نمی خورد اما چنین نبود و با کمی مدیریت کردن، بسیار مناسب این کار هم است. کم کم با آن آشنا شدم ولی گوشی بنده برنامۀ مذکور را نمی پذیرفت و هر چه برای نصب آن در مدرسه تلاش کردیم، نصب نشد و در خانه هم رایانه ام اینترنت نداشت که روی آن بریزم ولی بعدها نسخۀ سامسونگ این برنامه را به طور اتفاقی توانستم روی گوشی ام نصب کنم. البته برنامه مذکور مناسب برای تولید محتوای درس ریاضی نیست چون در درس ریاضی، باید همزمان با تدریس مقداری هم نوشت و ابزار نوشتن، انگشتان دست است که روی صفحۀ گوشی کشیده می شود و نوشته ها به این صورت، خیلی بزرگ و شلوغ و بی کیفیت از آب در می آید ولی جهت تدریس دروس دیگر همچون مطالعات اجتماعی، هدیه های آسمانی، علوم تجربی و... مناسب است و تا به امروز با آن به تولید محتوا می پردازم. بالأخره با بالا و پایین کردن های بسیار زیاد، راه کار و نقشۀ راه به دست آمد و بعد از چند روز ستاد ملی مقابله با کرونا کلاً مدارس را تعطیل و حضور دانش آموزان را در مدرسه تعطیل اعلام کرد و معضل تدریس ترکیبی (حضوری – مجازی) خود به خود برطرف شد. در واقع روش مطلوب هم آن است یا معلم روزهای کاری در خانه باشد و تدریس مجازی و تولید محتوا کند و یا در مدرسه باشد و تدریس حضوری انجام دهد و یا اگر چاره ای از حضور یکی دو روز در مدرسه نیست آن روزها دیگر تدریس مجازی و تولید محتوا نداشته باشد چون معلم اگر استراحت کافی نداشته باشد و فرسایشی کار کند بعد از مدتی تأثیرات منفی بر جسم و روان او خواهد گذاشت که مطلوب هیچ کس نیست.

حال خوانندۀ محترم این چنین مدیران و مدارسی را مقایسه کنید با مدیران و مدرسه ای همچون مدیر و مدرسه فرزند راقم این سطور که شرح آن را دادم که تا چقدر با مشکلات و کاستی ها در امر تدریس و تولید محتوای الکترونیکی دروس مواجه هستند. بنده حتی مدیر مدرسه فرزندم را در جریان مشکلات مدرسه مان در تولید محتوای الکترونیکی دروس و اینکه در ابتدا نمی دانستیم چه کار کنیم و چگونه تدریس مجازی و تولید محتوای الکترونیک را انجام دهیم قرار دادم و اینکه راه کار چه بود را عرض کردم و بیان داشتم شاید برخی از معلمان شما هم نمی دانند چگونه تولید محتوا کنند، این ها را به آنها پیشنهاد دهید و در ضمن لازم است حتماً فشار هم بیاورید و از آنها کار بخواهید و مطالبه کنید وگرنه امور به سامان نخواهد شد. صحبت های بنده را قبول داشتند. اما چند ماه گذشته است و کوچکترین تغییری حاصل نشده است. در اینجا پی به متفاوت بودن عملکرد و شایستگی های یک مدیر با مدیر دیگر و یک معلم با معلم دیگر می بریم. گاهی چه بسا مدیر دقیقاً و مشخصاً راه کار و نقشۀ راه را نمی‌داند اما می داند لاجرم و باید آن را پیدا کند و بالأخره با مطالبه گری و پیگیری و سماجت به خرج دادن و خسته نشدن آن را می یابد و یکی هم فاقد این مطالبه گری و تلاش ستودنی است.

**5-2-7. مشکلات اولیاء در زمینۀ تحصیل فرزندانشان به ویژه در ایام کرونایی تعطیلی سراسری مدارس**

آنچه گذشت بخشی از مشکلات آموزشی در ساحت مدرسه و معلمان بود. اما اولیای محترم دانش آموزان نیز با مشکلات زیادی دست و پنجه نرم می کنند. برخی از ایشان فاقد تجهیزات لازم مانند رایانه، لپ تاپ، گوشی هوشمند هستند و یا از اینترنت برخوردار نیستند. برخی کار با این وسایل و نرم افزارها را بلد نیستند. یکی از اولیای راقم این سطور مدتی قبل تماس گرفت و بیان داشت: «پسر بزرگم که کار با شاد را بلد است در خانه نیست، من با گوشی، حضور فرزندم را در کلاس آنلاین ارسال کرده ام می خواستم ببینم درست انجام داده ام یا نه؟ برایتان آمده یا نه؟» پس از بررسی دیدم اعلام حضوری نشده است. گفت: «پس شما در جریان باشید وقتی پسر بزرگم آمد می گویم ارسال کند.» گاهی اولیاء ارسال سادۀ یک کلمه را بلد نیستند. تقریباً یک ماه از سال تحصیلی جدید می گذشت که مدیر محترم مدرسه از بنده خواستند برای هر صفحه تدریس ریاضی، مقداری نمونه سؤال هم بدهم تا مطالب برای دانش آموزان بیشتر و بهتر جا بیفتد البته نه آنقدر تعداد سؤالات زیاد باشد که عملاً ننویسند و نشود بررسی کرد و نه آنقدر کم که اثری نداشته باشد، بنابراین بنده نیز در 4 روز هفته که ریاضی داریم با هر صفحه تدریس یک صفحه هم نمونه سؤال از آن صفحه طرح می کردم و دانش آموزان پس از نوشتن ارسال می کردند و برای اینکه بدانند پاسخ هایشان درست است یا نه، پاسخنامه را شب داخل گروه قرار می دادم، پس از چند ماه که این رویه ادامه داشت و هنوز هم دارد همین ولی محترم تماس گرفتند و تقاضا کردند نمونه سؤال ریاضی هم به دانش آموزان بدهم، تعجب کردم و ماجرا را به او گفتم متوجه شدم او کاملاً از ماجرا بی اطلاع است و حتی یک بار گروه را نگاه نکرده است بعد تقصیر را به گردن پسر بزرگش انداخت که گوشی دست اوست و او به ما نمی گوید. سؤال این جاست که پس از آن تماس که مدتها از آن می گذرد چرا فرزندان دوقلویش باز مطابق روال گذشته، نمونه سؤالات را نمی نویسند و ارسال نمی کنند. واقعیت این است بخشی از اولیاء نظارت و تسلط کافی بر فرزندانشان ندارند و فرزند حرف شنوی از اولیایش ندارد. وقتی اولیاء موقع کارنامه دادن به مدرسه تشریف آوردند تعدادی از اولیاء بیان می کردند: «فرزندم از من حرف شنوی ندارد، هر چه می گویم گوش نمی دهد، شما سخت گیری کنید، شما بگویید و...» این دسته از اولیاء در تربیت صحیح فرزندشان کوتاهی کرده اند و آثار این کوتاهی در آموزش و تحصیل آنها به ویژه در دوران خاصی چون تعطیلی بلندمدت مدارس بیشتر خود را نشان می دهد. واقعیت آن است معلم نخواهد توانست جای اولیاء را پر کند زیرا به طور قطع بخشی از پرورش و پیگیری تحصیل موفق دانش آموز برعهدۀ اولیاء آنهاست و به میزانی که اولیاء در این امر کوتاهی بورزند امر آموزش و پرورش دچار خلل خواهد شد. ما معلمان بعینه می بینیم اولیایی را که بر فرزند خود تسلط دارند چقدر دقیق و با حساسیت پیگیر امر پرورش و آموزش آنها هستند و فرزندانشان چقدر مرتب و منظم به انجام تکالیف و امر تحصیلشان می پردازند. درواقع توانمندسازی اولیای محترم در زمینه های مذکور باید یکی از رسالت های همیشگی و دغدغه های اصلی مسئولان عالی رتبه کشور و آموزش و پرورش باشد. یکی از شاگردانم می گفت: «شاد ما مشکل دارد و برای من تدریس ها و تکالیف در گروه نمی آید، گاهی یکی می آید و بقیّه نمی آیند.» به پی وی اش در شاد ارسال می کردم، یک بار می گفتند: «نمی آید» یک بار می گفتند: «آمده، ولی یکی بیشتر نیست آیا باز هم هست؟» به پی وی واتساپ اش ارسال می کرد همین وضعیت بود. به ولی دانش آموز گفتم از مدیر پیگیری کند اما مشکل برطرف نشد. گفتم به اداره رود از دست من کاری بر نمی آید. تا اینکه ولی دانش آموز گفت: «من که سردر نمی آورم، زن داداشم را آورده ام ببیند.» بعد گفت: «شما ارسال کنید ببینیم می آید؟» ارسال کردم بعد گفت: «بله می آید، خودش (دانش آموز) پاک می کند ولی می گوید نمی آید.» چنانکه می بینید لازم است فکر اساسی برای توانمندسازی اولیاء در این حوزه و موارد دیگر صورت گیرد تا امور مطلوب از آموزش، پرورش و... به درستی پیش رود.

**6. محصول ارتباط فرهنگ و آموزش و پرورش**

بدون تردید تأثیر عملکرد آموزش و پرورش چه به صورت حضوری یا مجازی بر فرهنگ جامعه، قطعی است. زیرا همچنان که گذشت از نظر تحقیقات محققان کشورمان و حتی محققان غربی در حوزه فرهنگ، آموزش و پرورش، برخوردار از مؤلفه های مشترک اصلی ای از فرهنگ یعنی سیستم یکپارچه از الگوهای رفتاری و قابل تعلیم بودن است. در واقع فرهنگ یک کشور را می توان در آینۀ آموزش و پرورش آن کشور مشاهده کرد و این معلم است که در خط مقدم آموزش و پرورش کشور قرار دارد و اساتید دانشگاهها نیز دیگر معلمان عزیز در همین خط در آموزش عالی حضور دارند.

بنابراین هرگونه کوتاهی و کاستی ای که در ارتقای جایگاه ، منزلت و شأن رفیع معلمان عزیز، رفع مشکلات معیشتی، توانمندسازی ایشان در جهت مجهز شدن به، به روزترین دانش هاو مجهزسازی ایشان به بالاترین مهارت ها، تجهیزات و امکانات لازم با حوزۀ فعالیت ایشان که امروزه شیوع بحران کرونا آن را بیشتر و بهتر از هر زمانی به همگان اثبات کرد، صورت گیرد، ضربات محکم و مرگباری بر پیکرۀ فرهنگ غنی ایران بزرگ وارد خواهد ساخت. البته در این راه و در گام بعدی، توانمندسازی اولیای دانش آموزان با اهداف عالی آموزش و پرورش نیز حائز اهمیت فراوان است که اگر این دو گام به درستی برداشته شوند، در این صورت می توان بر داشتن فرهنگ غنی انسانی - الهی شکوفا شده در نهاد فرزندان این مرز و بوم پرگهر و آیندۀ درخشان آن بسیار امیدوار بود.

**7. یافته های تحقیق**

اصلاح جامع آموزش و پرورش متعارف( مدارس) و عالی( دانشگاه ها) اصلاح فرهنگ کشور است. نتیجه آموزش و پرورش بیمار در سطوح مذکور، فرهنگ غیر ربانی- الهی است. اصلاح آموزش و پرورش در دو دو بخش اصلی( معلمان و مسؤولان آموزش و پرورش) و ( اولیاء، دانش آموزان و دانشجویان) است. اصلاح بخش معلمان نسبت به بخش دیگر در اولویت قرار قرار دارد. اساتید محترم دانشگاهها ، معلمان خط مقدم در آموزش و پرورش عالی دانشجویان هستند. در درجه اول ، لازمه وصول به فرهنگ الهی و سبک زندگی ربانی، ایجاد رنسانس تحول در بخش معلمان از تربیت و جذب گرفته تا توانمندسازی ایشان در جهت مجهز شدن به، به روزترین علوم، مهارت ها، تکنیک ها، امکانات و تجهیزات لازم و مدرن در حوزه فعالیتشان و رفع مشکلات معیشتی و ارتقای حداکثری جایگاه، شأن و منزلت اجتماعی ایشان است. گام بعدی توانمندسازی اولیاء و همراه ساختن آنها در مسیر تحول آموزشی و تربیتی دانش آموزان و دانشجویان است و همزمان ایجاد اصلاح ساختاری در سطوح مختلف وزرات خانه های آموزش و پرورش، علوم، تحقیقات و فن آوری است.

**8. نتیجه گیری**

اگر عدم آمادگی مدارس و معلمان در زمینۀ چگونگی تدریس مجازی و تولید محتوای الکترونیکی دروس و به کارگیری نرم افزارهای مربوطه در اسفند 98 که کل کشور در شوک هجوم ویروس کرونا فرو رفت منطقی و قابل قبول است اما این عدم آمادگی پس از سپری شدن چند ماه تحصیلی از اسفند 98 و 3 ماه تعطیلی تابستان 99 دیگر برای سال تحصیلی جدید (1399-1400) قابل قبول و منطقی نیست. به ویژه این موقع از سال تحصیلی جدید که 7 ماه از آن هم سپری شده است و چه بسا مدارس و معلمانی که هنوز هم عملکرد مطلوب و باکیفیتی در زمینۀ تدریس مجازی و تولید محتوای الکترونیکی ندارند که شرح مواردی از آن گذشت. بنابراین لازم بوده و هست که آموزش و پرورش با تدارک برنامه های ویژه از دریافت آموزش های فنی، عملی و مهارت های لازم توسط تک تک معلمان برای چگونگی مواجه شدن با شرایط خاص تعطیلی سراسری مدارس از جمله کرونا جهت ارائۀ مطلوب و باکیفیت تدریس مجازی و تولید محتواهای الکترونیکی اطمینان حاصل کند و نظارت مستمر اصلاح بخش از عملکرد تک تک معلمان عزیز داشته باشد و درضمن هیچ درسی به معلمی که تخصصی در آن ندارد واگذار نشود و این مورد در رصد پایش همیشگی این وزارتخانه بی نهایت مهم قرار داشته باشد.

البته مشکل فقط عدم انجام و عدم اطلاع از چگونگی تولید محتواهای الکترونیکی دروس مختلف و تدریس مجازی مطلوب در شرایط خاص نیست بلکه مشکلات اساسی دیگری نیز وجود دارد، یعنی علاوه بر سپردن گاه و بیگاه امر تخصصی تدریس به معلمان غیرمتخصص و وجود مشکلات معیشتی و تنزل جایگاه اجتماعی معلم و تأثیرات آن در کاهش انگیزۀ برخی از معلمان در انجام اخلاق و وظایف حرفه ای خود و یا اینکه برخی از ایشان چه بسا وظیفۀ چندانی برای خود در ایامی که یک معلم در مدرسه حضور فیزیکی ندارد قائل نیستند، باید به اینها افزود که نوعی بی تفاوتی و کم کاری هم در برخی از بخش های اداری آموزش و پرورش وجود دارد. وقتی مسئول ارزیابی عملکرد ادارۀ آموزش و پرورش یک شهرستان از عملکرد معلمی که به گفتۀ مدیر مدرسه فاقد هرگونه تخصصی در زمینۀ درس محوله می باشد و یک صفحه تدریس در گروه مجازی اش در برنامۀ شاد انجام نداده است دفاع قاطع و محکمی می کند و عملکرد چنین معلمی را از نظر گروه های آموزشی و تخصصی ادارۀ مذکور مورد قبول اعلام می کند و یا درحالیکه با توجه به موارد متعدد و مستندات فراوانی که از تدریس اشتباه معلمی دیگر به مدیر آن مدرسه ارائه کرده ام و نشان از عدم تخصص معلم مربوطه در آن درس دارد با بی تفاوتی و به راحتی از آن عبور می کند لزوم اصلاحات و نظارت های جدید را یادآور دلسوزان فرهنگ و آیین بزرگ کشور می کند. در غیر اینصورت آسیب های جبران ناپذیر و مرگباری بر پیکر فرهنگ غنی کشور عزیزمان وارد خواهد شد که در این صورت شکوفا شدن استعدادهای مادی و الهی-ربانی نهفته در نهاد فرزندان مرز و بوم باستانی مان و تحصیل نتیجه مطلوب از آن، دور از انتظار خواهد بود.

**منابع**

1. قرآن کریم
2. الیوت، تی. اس (1387)، دربارۀ فرهنگ، حمید شاهرخ (مترجم)، چاپ چهارم، تهران: نشر مرکز.
3. جعیط، هشام (1381)، بحران فرهنگ اسلامی، سید غلامرضا تهامی (مترجم)، تهران: دفتر پژوهشهای فرهنگی.
4. سامووار، لاری و ای پورتر، ریچارد و استفانی، لیزا (1379)، ارتباط بین فرهنگها، غلامرضا کیانی و سید اکبر میرحسینی (مترجمین)، تهران: انتشارات باز.
5. هریسون، لارنس و هانتینگتون، ساموئل (1388)، اهمیت فرهنگ، انجمن توسعۀ مدیریت ایران (مترجم)، چاپ دوم، تهران: مؤسسۀ انتشارات امیرکبیر.